



دور اندیشی و تدبیر امام حسین(ع) در شب عاشورا

دور اندیشی و تدبیر امام حسین(ع) در شب عاشورا در سال 61 هجری قمری ...

دور اندیشی و تدبیر امام حسین(ع) در شب عاشورا در سال 61 هجری قمری

امام حسین(ع) پس از اطمینان از عدم حمله دشمن در عصر روز نهم محرم و در شب عاشورا، فرصتی یافت تا با یارانش به گفت و گو پرداخته و امور سپاه را تنظیم و به عبادت و تهجد خود بپردازد و برای روز بعد، خود را از هر جهت آماده نماید. در این جا وقایع شب عاشورا را فهرست وار به استحضار می رسانیم:

1- خطبه امام حسین(ع).

امام حسین(ع) در شامگاه روز تاسوعا، یارانش را در خیمه ای بزرگ گرد آورد و برای آنان خطبه ای خواند و در بخشی از آن فرمود: اما بعد، من یارانی باوفاتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم و خویشاوندانی نیکوکارتر و به حقیقت نزدیکتر از خویشاوندان خود نمی شناسم، خدا شما را از جهت من، پاداش نیک عطا فرماید. یاران من! بدانید یک امشب، بیشتر در این جهان به سر نخواهیم کرد و فردا از دست این مردم، جان به سلامت نخواهیم برد. من به شما اجازه می دهم که همگی از این سرزمین بیرون بروید و من بیعت خود را از شما برداشتم و اینک شب تاریک است و شما می توانید با کمال آسودگی خود را از چنگال دشمن برهانید.

پس از سخنان آن حضرت، حاضران در مجلس از جمله برادران، فرزندان، برادر زادگان و عموزادگان آن حضرت، یکی پس از دیگری داد سخن داده و عرض کردند که ما هرگز چنین نخواهیم کرد و تا زنده ایم، تو را تا آخرین قطره خونمان یاری خواهیم نمود.

پیش از همه، برادرش حضرت عباس(ع) سخن گفت و وفاداری و پایداری خویش را ابراز داشت. سپس سایر یاران امام حسین(ع) به وی اقتدا کرده و هر کدام به نوعی وفاداری خویش را اعلام کردند و از تنها گذاشتن آن حضرت و رفتن از سرزمین کربلا امتناع نمودند.

2- سفارش امام حسین(ع) به خواهرش زینب کبری(س).

حضرت زینب(س) هنگامی که متوجه حالات امام حسین(ع) گردید و یقین حاصل کرد که وی از دنیا قطع امید کرد و آماده لقای الهی شده است، بسیار نگران و سراسیمه شد و به نزد آن حضرت رفت و عرض کرد: ای کاش مرگ مرا در می یافت و به زندگی ام پایان می داد و من شاهد چنین روزی نبودم. امروز گویا مادرم فاطمه زهرا(س)، پدرم حضرت علی(ع) و برادرم حسن مجتبی(ع) از دنیا رفته اند. ای یادگار گذشتگان و سرپرست بازماندگان! تو چرا؟

امام حسین(ع) خواهرش را دلداري داد و به وی فرمود: خواهرم! متوجه باش که شیطان، حلم و بردباریت را از تو نرباید. خواهرم! آرام باش و از خدا بپرهیز و به اراده او خوشنود باش و بدان که اهل زمین می میرند و آسمانی ها باقی نمی مانند و غیر خدا هر چه هست، از بین می رود و جز ذات پاک باری تعالی که موجودات را آفرید و مردم را مبعوث می سازد و یکتای بی همتا است، هیچ چیز دیگری برقرار نخواهد ماند. جدّم رسول خدا(ص)، پدرم، مادرم و برادرم که از من بهتر بودند، همگی رفتند. بر من و هر مسلمانی لازم است از آنان پیروی کرده و به راه آنان برویم.

آن حضرت، با بیانی شیوا و آرام بخش، خواهرش را تسلی داد و بر قوه صبر و حلمش افزود و برای همیشه وی را آرام نمود.

3- تنظیم امور خیمه گاه.

امام حسین(ع) که تجربیات ارزنده ای از نبرد با دشمنان داشت، با همان یاران اندک خود، تمام جوانب جنگ و دفاع بایسته را ملحوظ می داشت و از پیش برای آن تصمیمات لازم را اتخاذ می کرد.

آن حضرت، برای دفاع بهتر و روان تر در برابر تهاجم احتمالی دشمن، دستور داد که خیمه ها را به یکدیگر نزدیک کرده و با طناب های محکم آن ها را به هم پیوند دهند و در اطراف خیمه ها خندق حفر کرده و آن ها را از خار و هیزم انباشته کنند، تا در هنگام هجوم دشمن از سه طرف آنان را با خندق هایی شعله ور مواجه کرده و از یک طرف با نیروهای تدافعی خویش در برابر دشمن ایستادگی کنند.

این تصمیم و تدبیر آن حضرت، بسیار اثر بخش و کارساز بود. زیرا بارها دسته هایی از اراذل و گروه های جنایت پیشه سپاه عمر بن سعد، قصد هجوم به خیمه گاه امام حسین(ع) را نمودند ولی با انبوهی از آتش مواجه شده و از ادامه کار خود منصرف گردیدند.

4- عبادت و تهجد.

شب عاشورا به عنوان آخرین شب زندگانی امام حسین(ع) و یاران وفادارش، برای آنان بسیار با ارزش و مغتنم بود. آنان از این شب، بیشترین و بهترین بهره های معنوی و عرفانی را تحصیل کرده و تا بامدادان روز عاشورا به راز و نیاز، مناجات، نماز و قرائت قرآن پرداختند و روح و روان خود را با تهجد و شب زنده داری صیقل داده و برای شهادت در راه خدا آماده کردند.